

وصیت یوان خلد در شرف وفات

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خبر داد که رسول الله (صلی الله علیه و آله) در شب وفاتش به امام علی (علیه السلام) فرمود: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، رسول الله (صلی الله علیه و آله) وصیتش را به امام علی (علیه السلام) املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود:

یا علی، بعد از من دوازده امام است و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش «محمّد» مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن‌ها دوازده امام هستند و پس از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند بود؛ پس «هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی» را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می‌نماید. او سه نام دارد؛ نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است.

ترجمه کتاب غیبت نسخ طبرستان ص ۲۰۰ ج ۱۱۱

نسب سید احمد الحسن

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) می‌باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد که برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله (صلی الله علیه و آله) بشارت تولد ایشان را دادند؛ و فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت ایلیا (علیه السلام) برای مسیحیان و یهودیان می‌باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی (علیه السلام)، در سال ۱۹۹۹ میلادی در نصف اشراف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی (علیه السلام) همچون دعوت رسول الله (صلی الله علیه و آله) به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می‌کنند؛ این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود: ۱- نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله (صلی الله علیه و آله) را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است. ۲- علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده‌اند و با آن، همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده. ۳- پرچم البیعه‌الله «دعوت به حاکمیت خدا»

سردبیر

«سوی نور»

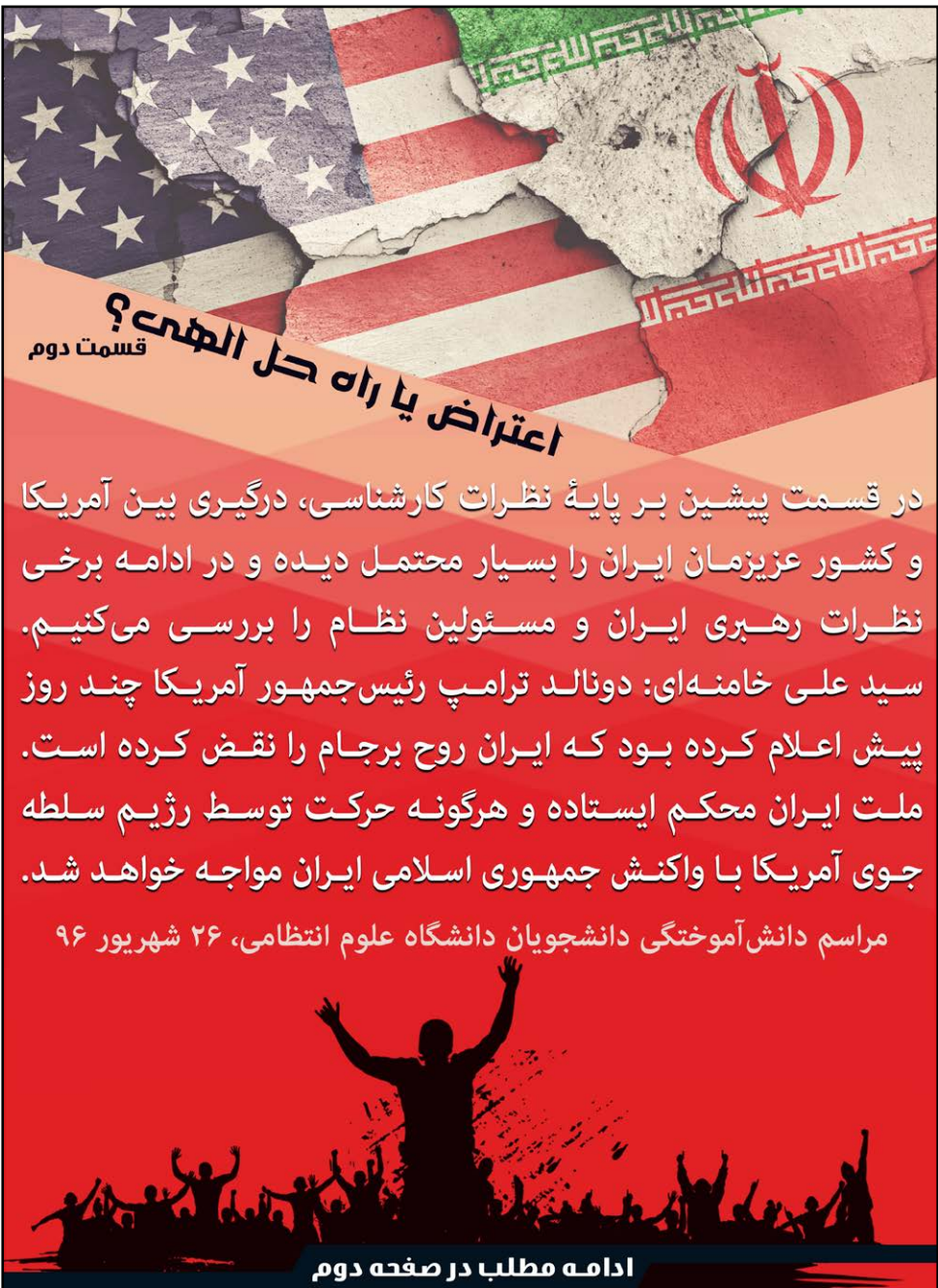
ای انسان تو را چه شده است که به ظلمت خو گرفته ای؟! تو را چه شده است که میلی به کمال و نور مطلق نداری؟! سید احمد الحسن (ع) وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام همان طالع مشرقی است که آمده است تا بیماری کوری ما را درمان کند، ای پروانه‌هایی که در پیله ی دنیای مادی گرفتار شده اید، بیایید و دعوت حق امام مهدی (ع) را لَبیک گوید، پیش از آنی که ایمان ایمان اورندگان سودی نبخشد.

سید احمد الحسن (ع) در تبیین هدف انبیاء می‌فرماید:

دعوت آنان علیهم السلام برای بازگشت به فطرت می‌باشد و فطرت خداوندی نیازی به دلیل ندارد؛ چرا که فطرتی است که مردم بر آن سرشته شده‌اند؛ یعنی همان حق و پرستش خداوند یگانه و تسبیح و تقدیس او و آراسته شدن به اخلاق کریمانه‌ای که انسان بر دوست داشتن آن آفریده شده است؛ رنگ خدایی، و چه رنگی بهتر از رنگ خدا؟! پروانه به سوی نور می‌رود؛ ولی وقتی ابزار بینایی‌اش از بین برود، به تاریکی متمایل می‌شود. انسان نیز همین گونه است؛ پیامبران و فرستادگان حجت بالغه‌ی (دلیل رسای) خداوند را اقامه می‌کنند و حجاب‌ها را از بصیرت انسان کنار می‌زنند؛ سپس آنان را رها می‌کنند تا خودشان انتخاب کنند؛ یا چشمانش را باز می‌کند و به سوی نور می‌رود و یا چشمانش را می‌بندد و روی خودش پرده‌ای می‌اندازد و خود را در تاریکی‌هایی که برخی بر برخی دیگر قرار دارند، گرفتار می‌سازد.

خدایی که شاهد بر همه چیز و بر اعمال بندگان است. همان کسی است که برای شما گواهی می‌دهد. همان خدایی که هر چه در آسمان‌ها و زمین است را می‌داند؛ و شیطان هیچ تسلطی بر ملکوت خدا ندارد تا سفیهان به شما این توهم را القا کنند که این رؤیاهای ملکوتی از سوی شیطان است؛ (بگو کافی است که خدا [نسبت به حقانیت نبوت من] میان من و شما شاهد باشد. [او] آن چه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند). عینکوت ۵۲

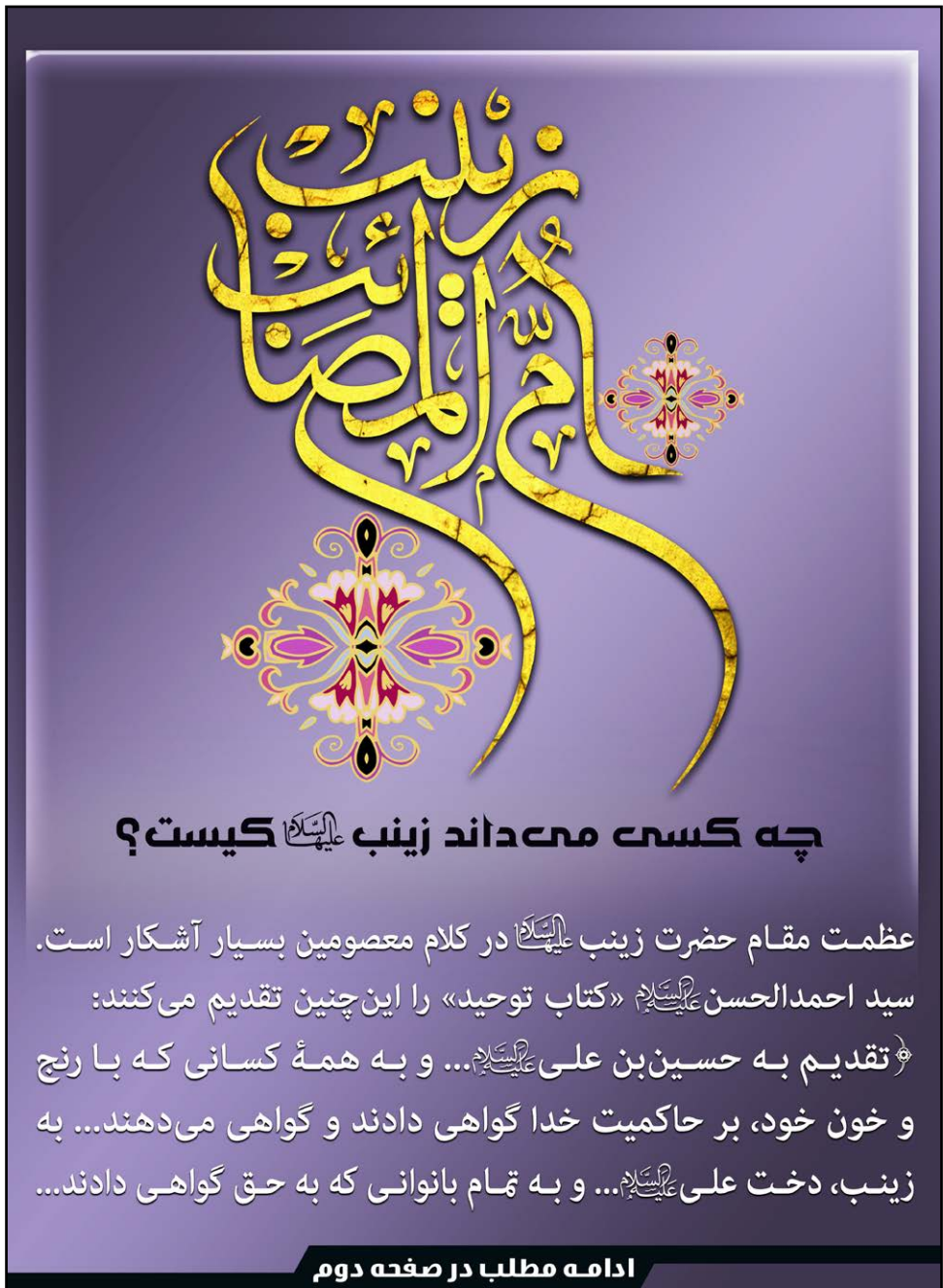
سید احمد الحسن
عقاید اسلام



در قسمت پیشین بر پایه نظرات کارشناسی، درگیری بین آمریکا و کشور عزیزمان ایران را بسیار محتمل دیده و در ادامه برخی نظرات رهبری ایران و مسئولین نظام را بررسی می‌کنیم. سید علی خامنه‌ای: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا چند روز پیش اعلام کرده بود که ایران روح برجام را نقض کرده است. ملت ایران محکم ایستاده و هرگونه حرکت توسط رژیم سلطه جوی آمریکا با واکنش جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد.

مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۲۶ شهریور ۹۶

ادامه مطلب در صفحه دوم

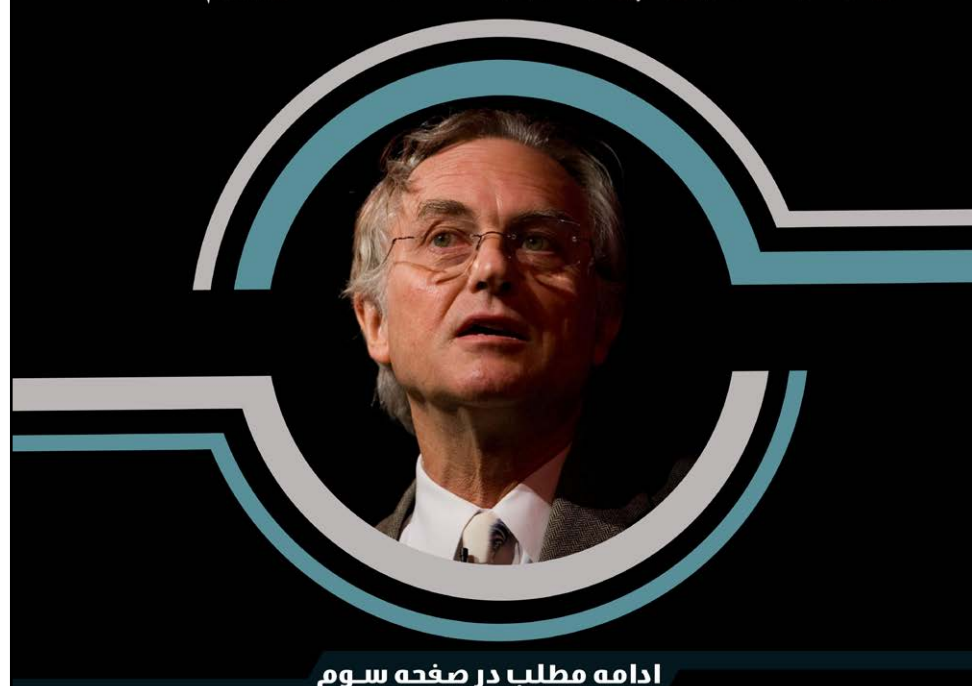


عظمت مقام حضرت زینب (علیها السلام) در کلام معصومین بسیار آشکار است. سید احمد الحسن (علیه السلام) «کتاب توحید» را این چنین تقدیم می‌کنند: «تقدیم به حسین بن علی (علیه السلام)... و به همه کسانی که با رنج و خون خود، بر حاکمیت خدا گواهی دادند و گواهی می‌دهند... به زینب، دخت علی (علیه السلام)... و به تمام بانوانی که به حق گواهی دادند...»

ادامه مطلب در صفحه دوم

چرا داوکنیز در بین آتئیست‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد؟

خداناباوران در عصرهای مختلف، بدون دلیل و صرفاً با چنگ زدن به شبهات، عدم وجود خدا را برای خود توجیه می‌کردند و تنها خداناباوران بودند که برهان‌های مختلفی برای اثبات وجود خدا ارائه می‌کردند؛ که از جمله مهم‌ترین این برهان‌ها، برهان نظم هست که ما با مشاهده نظم و قوانین حاکم بر جهان هستی و حیات زمینی، پی به وجود ناظمی آگاه می‌بریم.



ادامه مطلب در صفحه سوم



مآخذ: ۵۵



ادامه مطلب در صفحه سوم

(ع) باشد؛ محوری که به فرمودهٔ امیرالمؤمنین، متعلق به امام امت است و چند صباحی زینب تجلی این محور بود.

و اینک در آخر الزمان هستیم و جایگاه کسانی که در این زمان در راه برپایی حاکمیت‌الله تلاش می‌کنند چنان رفیع است که امام حسین و حضرت زینب علیهماالسلام، فدای ایشان شده‌اند (سید احمد الحسن، متشابهات، سوال ۱۲۳)

جایگاه کسانی که در آخرالزمان در راه برپایی حاکمیت خدا تلاش می‌کنند، چنان رفیع است که امام حسین (ع) و حضرت زینب (س)، فدای ایشان شده‌اند. (سید احمدالحسن، متشابهات: سؤال ۱۲۳)

و سید احمدالحسن (ع) خواسته‌اند که زنان با آنچه در توان دارند، در این راه اقدام کنند، مانند حضور در رسانه‌های جمعی و پالتاک و سخن گفتن در آن. (پاسخ‌های روشنگرانه: جلد ۴، سؤال ۳۲۲، حضور در راهپیمایی علیه حاکمیت باطل عراق (کامنت ذیل پیام فیس‌بوک: ۱ شوال ۱۴۳۷)، بیان حق از طریق اینترنت (پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، سؤال ۸۰۲) و نگارش و نشر مقالات در اینترنت و برپایی مجالس عزای اهل‌بیت (ع) و شناساندن حق و بیان باطل و رسوایی اهل آن (در محضر عبد صالح: جلد ۲، ذیل سؤال نقش زن در یاری حق).

اکنون نیز «باب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاصشان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند». (سید احمدالحسن، پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۶ سؤال ۵۳۶)



چه کسی می‌داند زینب (س) کیست؟

... و به زنان مؤمنی که صدایشان در مطالبهٔ حاکمیت خدا بلند و طنین‌انداز شد و می‌شود... شهادت می‌دهم که گواهی شما نوشته شده است و نوشته می‌شود... و دشمنان و مخالفین شما مورد بازخواست قرار خواهند گرفت...).

در این تقدیم کتاب، وصفی که برای حضرت زینب (س) آمده است بسیار ویژه است و برای زنانی که به ایشان اقتدا کردند: (زینب و این بانوان به «حق» گواهی دادند و این شهادتشان هم نوشته شده و مورد تأیید قرار گرفته است). مقام ویژهٔ حضرت زینب (س) دیدن حق و حمایت از حق و شهادت به آن است. زینب (س) همراه با حسین (ع) برای برپایی حاکمیت خدا قیام نمود، زمانی که حجت زمانش نیاز به همراهی داشت، با او همراه شد و تا لحظهٔ شهادت در کنار ایشان ماند و بعد از حسین (ع)، آنچه توانست ایشان را از گودی قتلگاه متوجه خیمه‌ها کند، مأموریت جدید او بود برای حمایت از امام زمانش که این بار حضرت زین‌العابدین (ع) بود. زینب (س) توانست تمام احساسات زنانه و خواهرانه‌اش را در آن زمان و در اوج مصیبت‌ها با برادری که از کودکی با ایشان بود، به دلیل محافظت از حجت خدا کنترل کند؛ و روح ایشان این توان را داشت که بتواند برای روزهایی نایب امام زین‌العابدین (ع) باشد؛ چون اگر مشخص می‌شد که حضرت امام سجاد (ع)، محور رجوع اهل‌بیت حسین (ع) هستند، جانش به خطر می‌افتاد؛ زیرا تمام تلاش شیطان و نقشهٔ شیطان، نابودی سلسلهٔ امامت بود). (ر.ک. پیام فیس‌بوک سید احمدالحسن، ۹ محرم ۱۴۳۹).

به همین دلیل می‌بینیم بر کسانی که فکر می‌کردند سلسلهٔ امامت با ایشان ادامه خواهد یافت، یعنی بر علی‌اکبر و علی‌اصغر، چنان سخت گرفتند: ابتدا علی‌اکبر را با آن بغض شهید کردند، چون مطمئن بودند که ایشان با شباهتی که به رسول خدا (ص) دارد و به دلیل ارشد بودنشان، جانشین امام است؛ و به همین دلیل بر شیرخوار کربلا نیز رحم نکردند؛ اما نقشهٔ خدا همواره برتر و پیروز است؛ به اذن خداوند، امام زین‌العابدین (ع) چنان بیمار می‌گردند که دشمنان حاکمیت خدا یقین می‌کنند که ایشان، خود از بیماری جانشان را از دست خواهند داد؛ و البته برای حفظشان، باید در عمل نیز محور بودن و امام بودن ایشان مخفی می‌شد.

و زینب (س) همهٔ سرمایهٔ خود را برای این امر مهم به کار می‌گیرد. ایشان سال‌ها معلم قرآن و مرجع احکام و دین زنان کوفه بود و از این آبرویی که داشتند و از توان سخن گفتنشان –که مردم کوفه اذعان داشتند که گویا علی (ع) است که بر منبر کوفه خطبه می‌خواند– برای روشنگری علیه جبههٔ دشمن، استفاده می‌کند؛ و در مقام توحید برای مردم آن روز «لا اله» را آشکار می‌کند تا این‌که امام زین‌العابدین (ع) در سخنرانی خود در کوفه و در مجلس یزید بتوانند «الا الله» را تبیین کنند: فأننا علی‌بن‌الحسین (خطبه در کوفه– احتجاج طبرسی: جلد ۲، صص ۱۱۷–۱۱۹)؛ أنا ابن مکه و منی، أنا ابن زمزم و الصفا ... أنا ابن خیر... أنا ابن ... یعسوب المسلمین و ... (خطبه در شام) (خوارزمی، مقتل الحسین: صص ۶۹–۷۱).

و این چنین جبههٔ شیطان متوجه می‌شود که تمام کربلا را که برپا کرده بود تا سلسلهٔ امامت را ناقص و ابتر گرداند، شکست خورده است.

و دیگر کار از کار گذاشته بود و امکان کشتن حجت خدا فراهم نبود، چراکه زینب (س) با روشنگری، سخنرانی و عزاداری و بیان مظلومیت آل محمد (ع) چنان بر مبانی فکری و بر فطرت مردم، کار کرده بود و حقانیت حق را چنان آشکار کرده بود که باطل را یارای مقابلهٔ علنی با حق نبود.

زینب (س) در روزهای محافظت از کاروان تبلیغی و رهبری مبلغان جریان حق و حفظ و مراقبت از امام زین‌العابدین (ع)، این آمادگی روحی را داشت که به‌جای امامش، محور همهٔ کاروان حسین

قسمت دوم:

اعتراض یا راه حل الهی؟

...عصر حملات یک‌سویه به پایان رسیده و جمهوری اسلامی آماده است تا هر اقدام آمریکا را به شدیدترین شکل ممکن پاسخ دهد. (دیدار با معلمان، ۱۷ اردیبهشت ۹۴)

محسن رضایی دبیر تشخیص مصلحت نظام: (با اشاره به سخنرانی ترامپ در سازمان ملل) اگر کشوری امنیت ایران را مخدوش کند، با موشک‌هایمان جنگ را زودتر به پایان می‌بریم. (۳۰ شهریور ۹۶ افکارنیوز)

با شواهد موجود، لحظه‌به‌لحظه به شروع جنگی تمام‌عیار بین ایران و آمریکا نزدیک می‌شویم و در صورت وقوع، با در نظر گرفتن توان نظامی آمریکای خونخوار و تسلط آن بر کشورهای دیگر و حتی سازمان ملل، مطمئناً مصیبتی بسیار عظیم بر مردم عزیزمان وارد خواهد شد. اما راه چاره چیست؟ بی‌تردید همان‌گونه که اهل‌بیت (ع)، امت ایران را امت و عده داده شده در آخرالزمان خوانده‌اند، پس ناگزیر راه کسب موفقیت و پیروزی را نیز به ما معرفی نموده‌اند و این راه پیشنهادی، چیزی نیست مگر عبرت از گذشتگان. قرآن کریم و روایات، سرگذشت درگیری امت طالوت (ع) با جالوت را برای ما نقل می‌کنند تا عبرت گرفته و در تکرار آن در آخرالزمان، یعنی درگیری امت طالوت (ع) با دجال از آن استفاده کنند، هرچند که جز مؤمنین عبرت نمی‌گیرند.

نبرد با جالوت:

(فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَاتَّاهُ اللَّهُ الْمُلُكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ (پس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند و داوود، جالوت را کشت و خداوند حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیلهٔ بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد). (بقره: ۲۵۱)

داوود فرزند کوچک پدر بود و او را در کار چوپانی گوسفندان قرار داده بود و حتی جزو سربازان به شمار نمی‌آمد و از خاطر کسی نمی‌گذشت که فلاخن او تمام‌کنندهٔ جنگ باشد؛ عده‌ای که داوود جزو آن‌ها شمرده نمی‌شد و آن تجهیزات (سنگ) که نزد مردم اعتباری نداشت، نزد خداوند کل عده و تجهیزات بود؛ سنگی که معماران آن را رد کردند سنگ زاویه شد؛ این حسابی بود که در چشم مردم می‌آمد و حساب خداوند متعال چیز دیگری است. مردم ماده و اجسام را می‌بینند و خداوند به روح و اخلاص نظر می‌کند. خداوند به اخلاص این جوانمرد کریم داوود (ع)– نظر نمود و پیروزی را در پیشانی وی نوشت و چه درس رسایی بود برای کسانی که با طالوت (ع) بودند، کسانی که اسباب مادی را میزان قرار داده بودند، هنگامی که:

(وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنْتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ... وَاللَّهُ وَاسِعٌ

عَلَيْمٌ)؛ (پیامبران به آن‌ها گفت خداوند، طالوت را برای زمامداری شما مبعوث کرده است. گفتند چگونه او بر ما حکومت کند باینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟ گفت خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و جسم وسعت بخشیده است؛ خداوند ملکش را به هرکه بخواهد می‌بخشد و احسان خداوند وسیع است). (بقره: ۲۴۷)

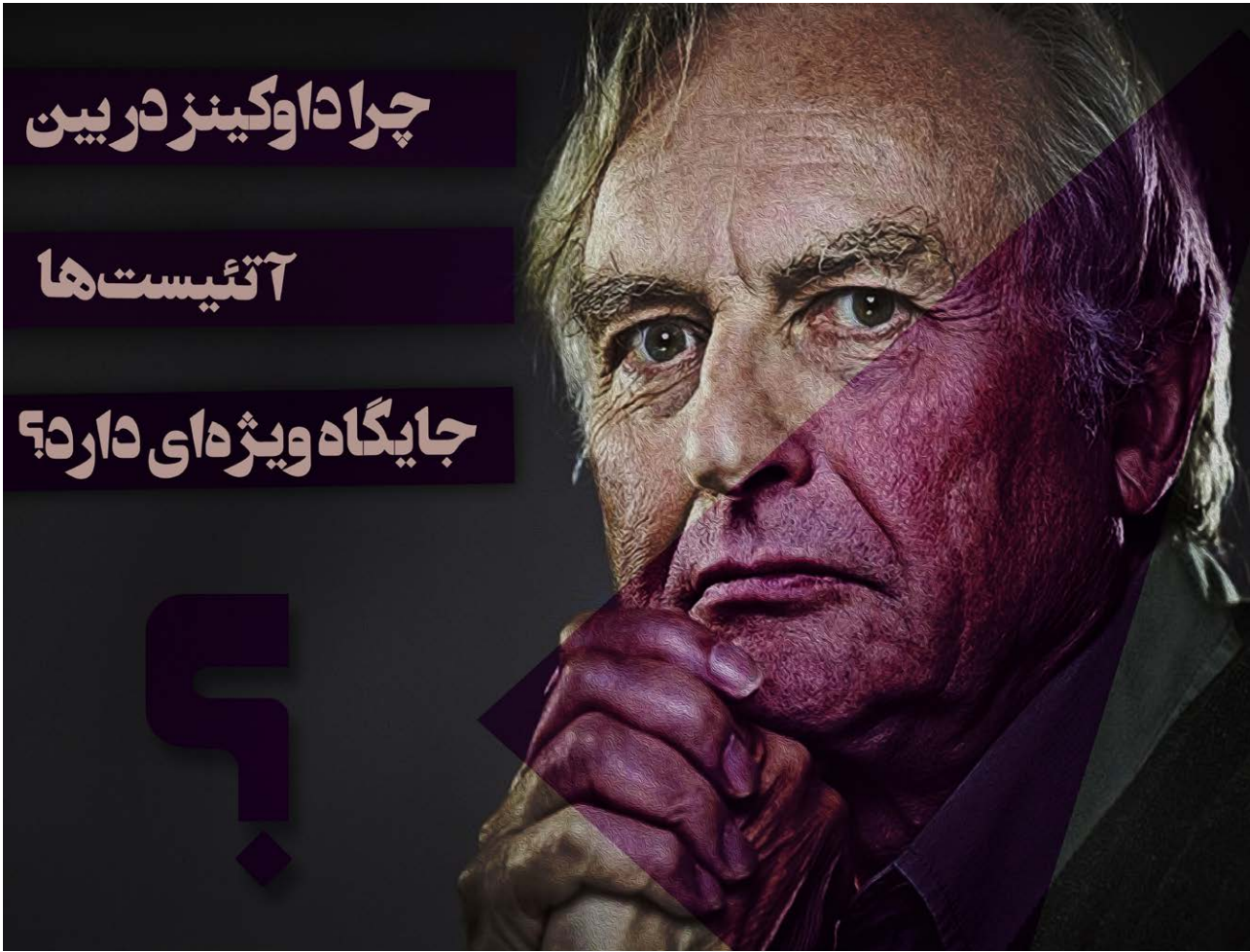
و هنگامی که عده و تجهیزات سپاه طالوت را دیدند گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. (بقره: ۲۴۹)

در این درس عبرت‌آمیز خداوند متعال به فعل نشان داد که در جولانگاه نبرد، اسباب مادی در برابر اخلاص برای خداوند ارزش ندارد؛ خداوند متعال سپاه عظیم و مجهز به آلات جنگی را با اخلاص داوود روبرو نمود و چقدر ما محتاج این درس عبرت‌آمیز هستیم تا معنی اخلاص و توکل بر خداوند سبحان را درک کنیم، بدون آنکه معادلات مادی موجود، کمر همت ما در مقابله با شیطان و سربازانش را بشکند. داوود آخرالزمان کیست؟

نبرد با جالوت نزدیک است و امت طالوت باید در جستجوی داوود (ع) باشند؛ این بندهٔ مخلصی که پیامبر زمان، یعنی امام مهدی (ع) برای فرماندهی مؤمنین در آخرالزمان انتخاب و معرفی نموده است و او منصور و پیروز است. ادامه دارد...



همان راه کلیساهای قرون وسطا را اتخاذ کردند و به انکار تکامل پرداختند؛ و این در حالی بود که با انکار نظریه تکامل که با شواهد بسیاری اثبات شده بود، شکست واقعی را به خود تحمیل کردند و چهرهٔ خود را نزد عموم دانشمندان و محققین منفور ساختند. تا اینکه احمدالحسن، وصی و فرستادهٔ امام مهدی (ع) ظهور کردند و اقدام به نوشتن کتاب توهّم بی‌خدایی نمودند؛ در فصل دوم این کتاب نظریه تکامل را با ارائه شواهد علمی اثبات نموده و در فصل چهارم نیز، عدم تصادفی محض بودن جهش‌ها و نیز هدفمندی تکامل را اثبات نمودند؛ و این‌گونه تمام باب‌ها را بر روی الحاد بستند. و اکنون اوضاع عکس شده است و علیرغم گذشت چندین سال از نگارش کتاب توهّم بی‌خدایی، هنوز نقد و ردیه‌ای بر آن نوشته نشده است و کتاب توهّم بی‌خدایی تمام پیروزی‌های پی‌درپی الحاد در برابر ایمان در قرون اخیر را تبدیل به شکست مفتضحانه کرد.



چرا داو کینز در بین آتئیست‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد؟

...هرچند که دیوید هیوم تلاش‌های زیادی کرد تا این برهان را زیر سؤال ببرد، ولی نتوانست و حداکثر موفقیتی که به‌زعم خودشان توانست برای الحاد به ارمغان بیاورد، تشکیک در صفات خداوند بود، هرچند که به آن‌ها نیز پاسخ داده شد؛ که بهترین پاسخ را می‌توانید در کتاب توهّم بی‌خدایی نوشته احمدالحسن در بخش دستان خدا در فصل ۴ مطالعه کنید. و همچنان ملحدین عاجز از ارائه دلیلی برای الحاد خود بودند تا اینکه نظریه فرگشت (تکامل) داروین به محافل علمی وارد شد و بعدها تفاسیر مختلفی از این نظریه برای وجود یا عدم وجود خالق ارائه شد. و در اینجا بود که پروفسور ریچارد داو کینز به‌عنوان فرضیه‌پرداز الحادی معرفی شد و با نوشتن کتاب ساعت‌ساز نابینا به‌اصطلاح خود برای الحاد، ادله‌نویسی کرد! در آن کتاب سعی نمود خدای ساعت‌ساز پیلی را رد کرده و خدای ساعت‌ساز نابینا را مؤثر حیات بداند. او برخلاف سایر خداناباوران سعی داشت برای بی‌خدایی خود دلیل ارائه دهد و برخلاف دیوید هیوم که سعی در تضعیف صورت استدلال داشت، او به‌صورت خاص در کتاب ساعت‌ساز نابینا، مقدمهٔ اول برهان نظم را به چالش کشید. داو کینز می‌گوید:

بدون داروین نمی‌توانستیم بی‌خدا باشیم، چون ما هیچ جواب خوبی برای اینکه چرا موجودات زنده به نظر می‌آید طراحی شده باشند، نداشتیم. و در کتاب ساعت‌ساز نابینا ادعا نمود نظم و طراحی موجود در حیات زمینی حاصل فرگشت (تکامل) می‌باشد و در ادامه کتاب ادعا می‌کند که مؤثر فرگشت (تکامل)، طبیعت کور و نابیناست، نه خدای آگاه، زیرا او مدعی است که فرگشت هیچ هدف بلندمدتی ندارد. اما او در هیچ کجای کتابش نتوانست حتی یک دلیل برای ادعایش بیاورد؛ ولی متأسفانه کتاب او به‌صورت گسترده منتشر شد و خداناباوران به استاد به این کتاب، عدم هدفمندی تکامل را دلیلی بر رد برهان نظم ارائه کردند و آنجا بود که نام داو کینز به‌عنوان اسطورهٔ الحاد بر سر زبان‌ها افتاد! پس از گذشت چندین سال نقدی کامل و علمی بر کتاب او نگاشته نشد، هرچند او ادعای خود را اثبات نکرد ولیکن موضوع مهم عدم هدفمندی تکامل را مطرح کرد که خداناباوران می‌بایست برای حفظ حدود برهان نظم در حیات زمینی، خلاف آن یعنی هدفمند بودن تکامل را اثبات می‌کردند؛ ولیکن هیچ اثری در این زمینه نگاشته نشد! و عمده علمای ادیان – که خود را عاجز از اثبات هدفمندی تکامل با ارائه شواهد علمی دیدند –



می‌باشد، همان‌طور که می‌گوییم: فلانی ولی قاصر [سرپرست فردی که در انجام امورات خود ناتوان است، چنانچه اهل لغت تصریح کرده‌اند به اینکه هرکسی که ولی و سرپرست امری است، او «ولی» آن کار است. (به ماده «ولی» در کتاب صحاح یا گزیده صحاح یا هر کتاب لغت دیگری مراجعه کنید) پس معنا این‌گونه است، کسی که امور شما را سرپرستی می‌کند، او به آن امور نسبت به شما شایسته‌تر [در تصرف] است، قطعاً او خداوند عزوجل و رسولش و علی هستند. برای اینکه او کسی است که این صفاتِ ایمان و اقامهٔ نماز و پرداخت زکات در حال رکوع، در او جمع شد و آیه هم در این مورد نازل شد. و خداوند در این آیه اثبات کرده است که ولایت برای خودش و برای پیامبرش و ولی‌اش بر یک روش واحد است؛ و ولایت خداوند عزوجل عام است، پس ولایت پیامبر و ولی، مانند آن و بر همان اسلوب است و جایز نیست که اینجا «ولی» به معنای یاری‌دهنده یا دوستدار یا مانند این دو باشد؛ که در این صورت دیگر جهتی برای حصر -إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، حصر ولی در خدا و رسول و مؤمنین- باقی نمی‌ماند.



اثبات امامت بعد از پیامبر (ص)

...از این آیه استفاده می‌شود که در اینجا اولیاء، سه شخص [صفت مصداق برای خداوند متعال!!] هستند و ایشان: خداوند متعال و رسولش و مؤمنانی هستند که با سه صفت وصف شده‌اند؛ و باقی مؤمنین، تحت سرپرستی ایشان هستند؛ و این سرپرستی محقق نمی‌شود مگر با تفسیر «ولی» به رهبر و کسی که اجازهٔ تصرف در شئون زندگی افراد تحت سرپرستش را دارد.

علت نزول آیه:

جصاص در کتاب احکام قرآن نقل می‌کند که: خداوند متعال می‌گوید: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛ (سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند)؛ از مجاهد السدی و ابی‌جعفر و عتبه‌بن ابی حکیم روایت شده، این آیه در شأن علی‌بن ابی‌طالب (ع) - زمانی که انگشترش را صدقه داد، درحالی‌که در رکوع بود- نازل شد. فرمودهٔ متعال: (وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)، دلالت دارد بر اینکه صدقه دادن، زکات نامیده شده است؛ به این دلیل که علی (ع) انگشترش را بخشید و صدقه داد) کتاب جصاص در احکام ص ۱۶۲

سیوطی گوید: از عمار بن یاسر نقل شده است که سائلی نزدیک علی‌بن ابی‌طالب ایستاد، درحالی‌که او در رکوع نمازش بود، پس انگشترش را بیرون آورد و آن را به سائل بخشید... پس آیه نازل شد: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...). (أسباب النزول للسيوطی: ج ۱، ص ۴۲۹) و همچنین گوید: از ابن عباس روایت شد که گفت: آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...)، در شأن علی‌بن ابی‌طالب نازل شد. (ج ۱ ص ۴۳۰) أسباب النزول للسيوطی

و واحدی گوید:

فرموده متعال: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...)، کلبی گوید: و اضافه کرد که آخر آیه در مورد علی (رض) است، برای اینکه او انگشترش را به سائل بخشید، درحالی‌که در رکوع نماز بود. (أسباب النزول للواحدی: ص ۱۶۲)

در کتاب معالم التنزیل، پیرامون تفسیرالخازن، ج ۲، ص ۵۵ و بسیاری غیر از آن، آلوسی صاحب تفسیر روح‌المعانی می‌گوید: غالب اخباریون اذعان دارند که این آیه در مورد علی کرم‌الله وجهه نازل شد. (روح المعانی: ج ۶ ص ۱۶۸)

از آن دانسته می‌شود که این تیمیه دروغ گفت که: بعضی از دروغ‌گویان حدیث دروغی را وضع کردند که این آیه در حق علی نازل شد، زمانی که در نماز با انگشترش صدقه داد؛ و این نقل به اجماع اهل علم، دروغ است و دروغش واضح است؛ و اضافه کرد: (اهل علم اجماع کرده‌اند بر این‌که این آیه در خصوص علی نازل نشده است و علی در نماز با انگشترش صدقه نداده است و اهل علم بر این گفته اجماع کردند که داستان روایت شده در این آیه دروغی است که وضع شده و اکثر امت این خبر را نشنیدند. (منهاج السنة: ج ۲، ص ۳۰)

در اینجا همان‌طور که مخفی نیست، «ولی» به معنای اولی به تصرف [یعنی کسی که حق تصرف دارد]

کوچه‌های شهر ما تعلیم دادی! چگونه ما را نمی‌شناسی؟ اما او باز خواهد گفت: من به هیچ وجه شما را نمی‌شناسم. ای بدکاران از اینجا دور شوید! آنگاه وقتی ببینید که ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا در ملکوت خدا هستند و خودتان بیرون مانده‌اید، از شدت ناراحتی خواهید گریست و لب‌هایتان را خواهید گزید. مردم از تمام نقاط جهان آمده، در ضیافت ملکوت خدا شرکت خواهند کرد، اما شما محروم خواهید ماند. بلی، یقین بدانید آنانی که اکنون خوار و حقیر شمرده می‌شوند، در آن زمان بسیار سرافراز خواهند گردید و آنانی که حالا مورد احترام و تمجید هستند، در آن زمان، حقیر و ناچیز به حساب خواهند آمد. (لوقا ۱۳: ۲۳-۳۰)

پس باید راهی برای شناخت نجات‌دهنده و ورود با او به ملکوت خدا باشد؛ و همواره باید برای آمدنش هشیار و منتظر باشیم.



تولد دوباره، راه ورود به ملکوت خدا حرکت به سمت نور

و در روایتی دیگر می‌فرمایند: (... برای ما دعوت‌کنندگانی صامت (بدون سخن گفتن) باشید (مردم را بدون سخن گفتن به سمت ما بخوانید)؛ پرسیدند: چگونه ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: به آنچه از طاعت الهی که شما را بدان امر کردیم، عمل کنید و از آنچه شما را از آن نهی کردیم و نافرمانی‌های خداوند دوری کنید؛ پس در این صورت وقتی که مردم آنچه بر آن هستند را دیدند، فضیلت آنچه نزد ماست را دانسته و به سمت آن می‌شتابند. (شرح‌الایثار: ج ۳، ص ۵۰۶)

پیامبر (ص) بهترین الگوی مدارا با مردم و پیامبری که به فرموده امام احمدالحسن (ع) بیش از هر پیامبر دیگری متحمل سختی شد، در آن زمان که قدرت مسلمانان رو به فزونی گذاشته بود و اموال و افراد بسیاری در اختیار رسول خدا (ص) قرار داشت، هنگامی که از کنار یک یهودی می‌گذشت، به او سلام می‌کرد و احوالش را می‌پرسید. وقتی باخبر شد یکی از آن‌ها مریض شده است، جویای احوالش شد و به عیادتش رفت و سرانجام آن یهودی با ایمان از دنیا رفت، حال آنکه یهودیان بیشتر از نصارا در مقام انکار رسالت آن حضرت برمی‌آمدند...

در همین رابطه امام احمدالحسن (ع) در پاسخ به سؤالی در خصوص ارتباط با شخص ناصبی و حکم استفاده از غذای او چنین می‌فرمایند:

(بهتر است از حکم به ناصبی بودن نزدیکان اجتناب کنید. بعضی از مردم از سر جهل و نادانی کاری را انجام می‌دهند، آنان مستضعف و درگیر خود هستند. بهتر است با مهربانی با آنان رفتار کنید، با آنان هم‌سخن شوید و حق را برایشان تبیین کنید؛ امید است خداوند روزی از روزها حالشان را اصلاح کند). (جواب‌های فقهی متفرقه، ج ۴، ص ۹۹)



تولد دوباره، راه ورود به ملکوت خدا

حرکت به سمت نور

مقامات در ملکوت خدا با چه سنجیده می‌شوند؟ سؤالی است که شاگردان از عیسی (ع) پرسیدند و ایشان طفل کوچکی را صدا زد و او را به میان شاگردانش آورد و گفت:

تا از گناهانتان دست نکشید و به‌سوی خدا بازنگردید و مانند بچه‌های کوچک نشوید، هرگز نخواهید توانست وارد ملکوت خدا گردید؛ پس هر که خود را مانند این بچه کوچک فروتن سازد، در ملکوت خداوند، بزرگ‌ترین خواهد بود. (متی ۱۸: ۴-۱)

عیسی -دروود خدا بر او- فرموده است که اگر تولد دوباره پیدا نکنیم، هرگز ملکوت خدا را نمی‌توانیم ببینیم و این عین حقیقت است. (یوحنا ۳: ۳)

اما تولد دوباره چگونه است؟ و چگونه ممکن است مجدد متولد شویم؟

ایشان می‌فرمایند: آنچه می‌گوییم عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود. زندگی جسمانی را انسان تولید می‌کند، ولی زندگی روحانی را روح خدا از بالا می‌بخشد؛ پس تعجب نکن که گفتم باید تولد تازه پیدا کنی؛ درست همان‌گونه که صدای باد را می‌شنوی ولی نمی‌توانی بگویی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود، در مورد تولد تازه نیز انسان نمی‌تواند پی ببرد که روح خدا آن را چگونه عطا می‌کند. (یوحنا ۳: ۵-۸)

اما بسیاری از ما ملکوت خدا را انتخاب نمی‌کنیم و به سمت تاریکی می‌رویم. عیسی -دروود خدا بر او- می‌فرماید: مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند، چون می‌خواهند در تاریکی، گناه ورزند؛ پس به نور نزدیک نمی‌شوند، مبادا کارهای گناه‌آلودشان دیده شود و به سزای اعمالشان برسند؛ ولی درستکاران با شادی به‌سوی نور می‌آیند تا همه ببینند که آنچه می‌کنند، پسندیده خداست. (یوحنا ۳: ۱۹-۲۱)

چگونه می‌توان از نجات‌یافتگان بود؟

عیسی -دروود خدا بر او- می‌فرماید:

درب آسمان تنگ است؛ پس بکوشید تا داخل شوید، زیرا یقین بدانید بسیاری تلاش خواهند کرد که داخل گردند اما نخواهند توانست. زمانی خواهد رسید که صاحب‌خانه در را خواهد بست. آنگاه شما بیرون ایستاده، در خواهید زد و التماس خواهید کرد که خداوند، خداوند، در را به روی ما باز کن! اما او جواب خواهد داد که: من شما را نمی‌شناسم! شما خواهید گفت: ما با تو غذا خوردیم! تو در

نحوه تعامل و معاشرت با افرادی که عقاید متفاوت از ما دارند

وظیفه ما در ارتباط و تعامل با افرادی که هم‌عقیده ما نیستند، چیست؟ آیا باید از آن‌ها کناره گرفت یا خیر؟!

اسلام دینی مبتنی بر حیات اجتماعی است و با گوشه‌نشینی و دوری از مردم مخالف است...

قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ (ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرمای‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است). (حجرات: ۱۳)

و در جای دیگر می‌فرماید:

(أَلَمْ يَتَّبِعُوا لَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ فَمِمَّا يُنْفِرُونَ فِي الْغَزَا فَوَضَّعُوا لَهُمْ حَصَصَهُمْ فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَخَلَّفُوا الْفِرْقَانِ الْكَاثِبِينَ... (آیا آن‌ها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؛ ما معیشت آن‌ها را بین آنان در حیات دنیا تقسیم می‌کنیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر و با هم تعاون کنند و همدیگر را خدمت نمایند. رحمت پروردگارت از تمام آنچه گردآوری می‌کنند برتر و بهتر است). (زخرف: ۳۲)

بنابراین همان‌طور که قرآن می‌فرماید، اصل کلی، معاشرت با همه مردم است، مگر افراد اندکی که به دوری از آن‌ها و قطع ارتباط با آن‌ها امر شده است، مثل شخص ناصبی(ناصبی کسی است که دشمنی نصب می‌کند برای ائمه یا مهدیین یا پیروان آنها).

امام صادق (ع) در ارتباط با تعامل با اهل تسنن می‌فرمایند: (... و با اهل باطل مدارا کنید، ستمشان را بر خود هموار سازید؛ مبادا با آن‌ها ستیزه‌جویی کنید؛ هنگام آمیزش و نشست‌وبرخاست و گفتگوی با آن‌ها راه تقیه را پیشه کنید، همان راهی که خداوند دستور داده که هنگام برخورد با آن‌ها آن را پیش گیرید...). (کافی: ج ۸، ص ۲)

در این بین و در تعامل با دیگران وظایفی هم متوجه ماست...این وظیفه ماست که ضمن ارتباط با آن‌ها،

اولاً: از آن‌ها تأثیر نگیریم؛

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: در میان مردم باش اما همراه آنان مباش. (مفتاح‌السعادة فی شرح نهج‌البلاغه: ج ۴، ص ۹)

منظور امیرالمؤمنین (ع) مشخص است؛ ایشان می‌فرمایند: ارتباطت را از جامعه قطع نکن، اما در عین حال که با آن‌ها در ارتباطی و با آن‌ها معاشرت داری و در میان آنان هستی، در همه شئون و در اشتباهاتشان همراه آن‌ها نباش...

در جایی دیگر می‌فرمایند: (...من همسایه‌ای بودم که تنم چندی همسایگی شما را داشت...). (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۴۹)

امام احمدالحسن (ع) در خصوص حضورشان در حوزه نجف و در میان علمای بی‌عمل می‌فرمایند: (... بنابراین گوشه‌نشینی در خانه‌ام را برگزیدم و بدون اینکه از کسی کمک بخواهم، علوم آن‌ها را خود به‌تنهایی خواندم؛ فقط با آن‌ها در ارتباط بودم و با برخی از آن‌ها مراوده داشتم و برخی از آن‌ها نیز با من رفت‌وآمد می‌کردند... من در حوزه علمیة نجف و در بین علمایش بودم، همان‌طور که مریم مقدس (س) در هیکل و در بین علمای یهود بود...). (پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲، ص ۱۰۰)

ثانیاً: سعی کنیم ضمن این روابط، بر آن‌ها اثر بگذاریم و آن‌ها را با عقیده صحیح آشنا سازیم؛ اهل باطل نباید تا آخر عمر در باطل بمانند، باید هدایت شوند و بهترین راه برای هدایت آنان برخورد خوب مؤمنان با آنان است؛

امام صادق (ع) می‌فرمایند: (...بدون سخن گفتن با زبان، دعوت‌کننده مردم باشید...). (کافی: ج ۲، ص ۷۸)

منابع رسمی دعوت مبارک یمانیت موعود، سید احمدالحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

VARESIN.ORG

ارتباط با ما

@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمدالحسن

ALHAMED.10313

سایت رسمی فارسی

ALMAHDYOON.CO

سایت هفته‌نامه زمان ظهور

ZAMANEZOHOOR.COM

کانال تلگرام هفته‌نامه زمان ظهور

@ZAMAN_ZOHOUR